

شناخت کنایه در ادبیات فارسی

سال دوم متوسطه ۲

به کوشش :

فاطمه (مهران) نجیبی

انتشارات تدبیر روشن

۱۳۹۴

سرشناسه	: نعیمی، فاطمه - ، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: شناخت کنایه در ادبیات فارسی سال دوم متوسطه ۲ / ۳
مشخصات نشر	: به کوشش فاطمه (مهرانه) نعیمی.
مشخصات ظاهری	: تهران: تدبیر روشن، ۱۳۹۴.
شابک	: ۶۰ ص: ۵/۳۱×۵/۱۴ س.م.
وضعیت فهرست نویسی	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۷۳-۳۶-۹
موضوع	: فیها
موضوع	: کنایه در ادبیات
رده بندی دنگر	: ادبیات فارسی -- اصطلاحها و تعبیرها
رده بندی دی	: ۴۲/۰۹۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۱۶



شناخت کنایه در ادبیات فارسی

سال دوم متوسطه

فاطمه (مهرانه) نعیمی

ناشر: تدبیر روشن / تهران ۱۳۹۴

شابک: ۹-۲۶-۷۴۷۳-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان ۱۰۰۰ / چاپ اول

قیمت: ۷۰۰۰ هزار تومان

انتشارات تدبیر روشن : roushan1356@yahoo.com

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه	۹
درس ۱: "الین" (خواجہ عبداللہ انصاری)	۱۷
"همای رحمت" (سایریا)	۱۷
درس ۲: "رستم و اشکدریس"	۱۹
درس ۳: "حمله ی حیدری" (اذاش شمشیدی)	۲۰
درس ۴: "بچه های آسمان" (مجید مجیدی)	۲۲
درس ۵: "کباب غاز" (جمال زاده)	۲۳
درس ۶: "گیله مرد" (بزرگ علوی)	۲۶
درس ۷: "سووشون" (سیمین دانشور)	۲۹
درس ۸: "کلبه ی عمو تم" (هریت بیچر استو)	۲
تورا می خوانم (پابلو نرودا)	۲۹
درس ۹: "در بیابانهای تبعید" (جبرا ابراهیم جبرا)	۳۰
"از یک انسان" (محمود درویش)	۳۰
درس ۱۰: "دخترک بینوا" (ویکتور هوگو)	۳۱

- درس ۱۱: "مائده‌های زمینی" (آندره ژید) ۳۲
- درس ۱۲: "در آرزوی تو باشم" (سعدی) ۳۳
- "دل می رود ز دستم (حافظ) ۳۳
- درس ۱۳: "باغ عشق" (سنایی) ۳۵
- پیدای پنهان (مولانا) ۳۵
- درس ۱۴: "تربیت انسانی و سنت ملی ما" (دکتر محمود صانع) ۳۶
- درس ۱۵: "ملوه‌های هنر در اصفهان" (دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن) ۳۷
- درس ۱۶: "خسرو" (عبدالاحسین رجبانی) ۳۸
- "مایع حرف شویی" (جلال جمیع) ۳۹
- درس ۱۷: "داروک" (نیما یوشیج) ۴۰
- باغ من (اخوان ثالث) ۴۰
- انتظار (طاهره صفارزاده) ۴۰
- درس ۱۸: "سفر بخیر" (دکتر شفیعی کدکنی) ۴۱
- در سایه سار نخل ولایت (موسوی گرمارودی) ۴۱
- درس ۱۹: "حدیث جوانی" (رهی معیری) ۴۲
- در کوچه سار شب (هوشنگ ابتهاج) ۴۲
- درس ۲۰: "مدرسه امام شوشتری" (ابن بطوطه) ۴۴

- ۴۴ به سوی تخت جمشید (پی‌یر لوتی)
- درس ۲۱: "خاطرات اعتماد السلطنه" (محمد حسن خان)
- ۴۵ (صنیع الدوله)
- ۴۵ آن را (آله حسین)
- درس ۲۰: "شخصی به هزار غم گرفتارم" (مسعود سعد)
- ۴۶ (سلمان)
- ۴۶ طرحی از یک زن (نورین شریعت رضوی)
- ۴۶ شور عشق (فخرالدین عارفی)
- درس ۲۳: "کعبه‌ی مخفی" (روایات)
- ۴۸ درس ۲۴: "مسافر" (محمد کاظم)
- ۴۸ ریشه‌ی پیوند (اسکندر ختانی)



مقدمه :

کتابی که شما خوانندگان عزیز پیش رو دارید ، گزیده ای از معرفی و بررسی یکی از منابع ادبی به نام «کنایه» در ادبیات فارسی دوم متوسطه می باشد ، که در همه ی ۲۴ درس کتاب شناسایی و استخراج شده و جهت استفاده دانش آموزان به چاپ رسیده است. این کتاب با شناساندن کنایه ها ، دریافت بهریم و درک مطلب را برای فراگیران آسان می نماید .

گاهی سخنان زیادی برای گفتن داریم ؛ اما نمی توانیم آن چه را که در دل داریم ، کاملاً آشکارا و بی پروا بگوییم ؛ نمی توانیم مثل دیگران عادی بیان کنیم ؛ بنابراین دنبال روشی هستیم که یا در لفافه سخن بگوییم یا بیانی زیبا داشته باشیم و روشی که برای این امر انتخاب می کنیم کنایه است. در بسیاری از سخنان کنایی هم می توان معنی ظاهری را درست دانست ؛ ولی با نگاهی دقیق می توان فهمید که منظور گوینده یا نویسنده معنی باطنی یا به عبارتی مفهوم کلام است.

تعریف کنایه

«کنایه» در لغت به معنی : پوشیده سخن گفتن و در ادبیات فارسی به کار بردن جمله ، عبارت ، ترکیب یا اصطلاحی است که معنی ظاهری (تحت‌اللفظی) آن مورد نظر نیست ، بلکه مفهوم (معنی معنی آن) مقصود و پیونده است . به عبارت دیگر ، آرایه‌ی کنایه ، دریافت معنی معنی (مفهوم) از طریق استدلال می‌باشد.

تفاوت کنایه با مجاز

در تعریف مجاز باید گفت مجاز استفاده کردن یک کلمه در غیر معنی ظاهری است . یعنی مانند کنایه ، منظور نویسنده یا گوینده معنی ظاهری کلام نیست بلکه منظور معنی معنی است. در کنایه می‌توان معنی ظاهری را هم در بسیاری از موارد درست دانست مانند « دست فلانی کج است » که معنی ظاهری هم درست می‌واند باشد در حالی که منظور معنی باطنی و قراردادی اهل زبان یعنی دزد بودن است ولی در مجاز همواره معنی معنی مورد نظر است و برای دریافت این معنی قرینه‌ای در کلام وجود دارد که شنونده یا خواننده را به معنی مورد نظر گوینده یا نویسنده می‌رساند.

مجاز هم همواره همراه با یک قرینه (نشانه) و علاقه است ؛ به عنوان مثال : زمانی که در جمله‌ای مانند « ایران به جام جهانی رفت.» ابتدا با یک نشانه یعنی رفتن به جام جهانی می‌فهمیم که منظور از ایران کشور ایران نیست و وجود جام جهانی ما را به طور

ویژه به تیم (فوتبال) راهنمایی می‌کند. همچنین می‌فهمیم که تیم فوتبال در ایران ساکن است و علاقه محلیه است یعنی ما محل را گفتیم در حالی که منظور ما کس یا کسانی است که در آن محل زندگی می‌کنند. یا در این مثال:

مباد روزی بی ملک تو جهان، که جهان

به روز روشن از آن پس ستاره بشمارد (انوری)

کنایه "تار نرفته"، زیرا معنای ظاهری "ستاره شمردن" کاربرد ندارد و شاعر به جرئه "روز روشن" می‌خواهد بگوید: روز روشن بی تو چون شب می‌شود و شب شدن در حکم رواج فساد و اختلال در احوال است.

تفاوت کنایه با استعاره

استعاره در واقع مجاز است که علاقه ی آن شباهت است یعنی همان تشبیهی است که یکی از طرفین آن حذف شده است و این حذف می‌تواند مشبه باشد یا مشبه به. بر این اساس به دو نوع استعاره ی آشکار یا مصرحه و استعاره مکنیه تقسیم می‌شود. پس هر جا که توانستیم شباهتی بیابیم باید کلمه یا عبارت مورد نظر را استعاره بدانیم نه کنایه.

کنایه تنها در ادبیات به کار نمی‌رود، بلکه در زندگی روزانه و سخن گفتن عامیانه نیز فراوان مورد استفاده قرار می‌گیرد. زیرا گاه می‌توان

مفهوم یک مسئله و مطلب را که در حالت عادی نیاز به شرح و توضیح بسیار دارد، با بیان یک اصطلاح یا عبارت کوتاه به مخاطب تفهیم نمود. به عنوان مثال: وقتی کسی کاری را به نحو احسن و کامل به انجام می‌رساند برای بیان احساسات، رضایت‌مندی و تشکر و قدردانی می‌توان تنها از یک عبارت ساده استفاده نمود: «گل کاشتی». این عبارت تمام معانی مفاهیم مورد نظر را دارا بوده و به راحتی مخاطب نیز درک مطلب می‌نماید.

در مقابل برای بیان ردایت هم می‌شود اصطلاح دیگری را به کار گرفت: «گند زدی». پس در این باره در زندگی عادی بسیار است که به جهت اختصار سخن چند نمونه را تنها بیان می‌نماییم: «کبکش خروس می‌خونه»، «هوا پسه»، «ساز رنگ نداره»، «فیلش یاد هندوستان کرده»، «همه جا دست داره»، «زین گیر شده» و ...

مثال:

هرآنکس با دو رنگی‌ها عجین است

سر راهش بلاها در کمین است

«قِسر هم در رود» باید بداند

«حسابش با کرام الکاتبین است» (مهرانه)

در شعر بالا عبارت «قِسر در رفتن» با مفهوم کنایی به کار رفته

که به معنی: «از مهلکه گریختن» می‌باشد.

آرایه‌ی کنایه باعث مکث و درنگ در مخاطب شده و ذهن خواننده را به تلاش و پویش واداشته و درک حالت‌ها را برای او محسوس می‌سازد، تا به سادگی انتقال پیام نماید، یا دریافت مطلب کند. کنایه ادعای خود را با دلیل همراه می‌سازد؛ و در لفظ و کلام می‌پیچد، از این رو مخاطب توان انکار آن را ندارد و مجبور به پذیرش آن است.

پراز آکر است و دام و سست بنیاد
چرا هم و این دنیا است صیاد
چرا باید به سستی دل سپردن؟
«نباید کرد هر دم که بر باد!» (مهرانه)

در شعر بالا دو کنایه به زیبایی در کنار یکدیگر قرار گرفته و موجب شیرینی سخن شده، عبارت: «به سستی دل سپردن» و «تکیه بر باد کردن!» کنایه از «امید بیهوده داشتن» است.

زیبایی کنایه در همین غیر قابل انکار است. برخورداری از قدرت اقناع و تاثیر بی‌نظیر آن است. مخاطب، مفهوم این کنایه را طریق استدلال در می‌یابد. گوینده با به کارگیری کنایه، با بیان مست، مجال پرسش را از مخاطب می‌گیرد و او را قانع می‌سازد.

این آرایه‌ی ادبی در کار، درس، زندگانی و ... ما کاربرد فراوان دارد، بدین جهت شناساندن آن به فراگیران امری لازم و ضروری می‌باشد.



عوض کن کهنه کفش باور تو را
رها کن سایه ی دور و برت را
بزن دل را به رودی پر تلاطم
« ولی نشکن پل پشت سرت را ». (مهرانه)

« پل پشت سر را خراب کردن » کنایه از « در بین زمین تمام راه های بازگشت است .
چنانکه می بینیم ، در مثال های بالا ، عبارت های مشخص شده دارای دو معنی دور و نزدیک هستند . اما معنی (مفهوم) دور آنها مورد نظر است و معنی نزدیک مقصود نویسنده را نمی رساند ؛ به این کاربرد « کنایه » می گویند .

« خط بکش » در یعنی « نادیده بگیر » ، « شکم را صابون زدن » در اصطلاح ادبی یعنی : « وعده به خود دادن » . (بیاموزیم درس پنجم ، کباب غاز یا رساله در حکمت مطلقه « از ماست که برماست ») .
نمونه‌های بارز این آرایه در کتاب ادبیات دوم متوسطه ، درس پنجم (کباب غاز) بسیار دیده می‌شود که جمalzاده ، به زیبایی تمام و ربانی شیرین نگاشته است. جمalzاده را آغازگر سبک واقع‌گرایی در نثر ناصح فارسی و پدر داستان نویسی دانسته اند .

فاطمه (مهرانه) نعیمی

تابستان ۱۳۹۴